معناى فارسى: افعال بى قاعده					<b>معنای فارسی:</b> افعا <b>ا</b>
رديف	Verb		فعل	Past simple	عل گذشتهٔ ساده
1	be		بودن	was / were	بود
۲	become		شدن	become	شد
٣	bleed		خون آمدن	bled	خون آمد
۴	break		شكستن	broke	شكست
۵	bring		آوردن	brought	آورد
۶	build		ساختن	built	ساخت
٧	buy		خريدن	bought	خرید
٨	choose		انتخاب كردن	chose	انتخاب کرد
٩	come		آمدن	came	آمدن
1.	cut		بريدن	cut	بريد
11	do		انجام دادن	did	انجام داد
17	draw		نقاشي كردن	drew	طراحی کرد
۱۳	drink		نوشيدن	drank	نوشيد
14	drive		رانندگی کردن	drove	رانندگی کرد

10	eat	خوردن	ate	خورد
19	fall	افتادن	fell	افتاد
14	feed	غذا دادن	fed	غذا داد
1.4	feel	احساس کردن	felt	احساس کردن
19	find	پیدا کردن	found	پیدا کرد
7+	forget	فراموش كردن	forgot	فراموش کرد
71	get	گرفتن/رسید	got	تهیه کرد
**	give	دادن	gave	داد
74	go	رفتن	went	رفت
74	have	داشتن	had	داشت
70	hear	شنيدن	heard	شنید
49	hit	ضربه زدن	hit	ضربه زد
**	hurt	آسیب دیدن	hurt	آسیب دید
44	keep	نگه داشتن	kept	نگه داشت
79	know	دانستن/شناختن	knew	انست/شناخت
٣٠	leave	خارج شدن	left	خارج شد

٣١	lose	گم شدن	lost	از دست داد
٣٢	make	ساختن	made	ساخت
**	meet	ملاقات كردن	met	دیدن کرد
رديف	Verb	فعل	Past simple	فعل گذشتهٔ ساده
44	pay	پرداخت کردن	paid	پرداخت کرد
٣۵	put	گذاشتن	put	گذاشتن
46	read	خواندن	read	خواند
٣٧	ride	دوچرخه راندن	rode	دوچرخه راند
٣٨	run	دويدن	ran	دويد
44	say	گفت	said	گفت
۴.	see	ديدن	saw	ديد
41	set	چيدن	set	چید/مرتب کرد
44	sell	فرورفتن	sold	فرورفت
44	send	فرستادن	sent	ارسال کرد
44	sing	آواز خواندن	sang	آواز خواند
40	sit	نشستن	sat	نشست

49	sleep	خوابيدن	slept	خوابيد
44	speak	صحبت کردن	spoke	صحبت کرد
41	stand	ايستادن	stood	ايستاد
49	stick	گذاشتن/چسباندن	stuck	چسباند/گذاشت
۵٠	swim	شنا کردن	swam	شنا کرد
۵۱	take	بردن/گرفتن	took	برد/گرفت
۵۲	take off	بلند شدن هواپیما/ کفش و لباس را در آوردن	took off	کفش و لباس را در آورد/ بلندشدنهواپیما
۵۳	teach	درس دادن	taught	درس داد
24	tell	گفتن	told	گفت
۵۵	think	فکر کردن	thought	درس داد
56	understand	فهميدن	understood	فهميد
۵٧	wake	بیدار شدن	woke	بیدار شد
۵۸	wear	پوشیدن	wore	پوشید
۵۹	write	نوشتن	wrote	نوشت